

نخستین پیش همایش اجتهاد در اندیشه امام خمینی(س) در پژوهشکده امام خمینی در حرم مطهر امام خمینی(س) برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین سید علی خمینی، آیت الله موسوی بجنوردی و آیت الله عباسعلی روحانی رییس پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی به سخنرانی پرداختند.

سید علی خمینی:



به گزارش اسپادانا، حجت الاسلام و المسلمین سید علی خمینی با تأکید بر این که مردم به جمهوری اسلامی برآمده از اندیشه امام خمینی رأی دادند؛ اجتهاد در اندیشه امام خمینی را یک نیاز واقعی دانست.

وی با بیان این که در مصادیق انقلابی مانده ایم و مفاهیم انقلابی را رها کرده ایم؛ پرداختن به مفاهیم انقلابی را مسیر اجتهاد در اندیشه امام خمینی عنوان کرد و یادآور شد: در جا زدن در مصادیق و رها کردن مفاهیم انقلابی موجب تاجر است.

مشروح سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی به نقل از پرتال امام خمینی در ادامه می آید:

انقلاب اسلامی تک بعدی نبود

نکته ای که در ابتدا می بایست به آن اشاره کرد این است که امام و به تبع او انقلاب یک انقلاب تک بعدی نبود. شما اگر آرمان های امام و به تبع آن آرمان های انقلاب را بررسی کنید، خواهید دید که این آرمان ها دارای ابعاد مختلف هستند و یک کل است که «بما هو کل» دارای ارزش و معنا می شود. منشأ این موضوع هم شخصیت خود حضرت امام است که یک شخصیت دارای ابعاد مختلف و یک اندیشه کامل بود. امام در سن 61 سالگی قیام ظاهری خود را آغاز کردند و قبل از آن ایشان در حیطه های مختلف یک شخصیت خود ساخته بود. از جمله در حیطه اندیشه، عمل، کردار و رفتار.

در اندیشه امام با یک کل اندیشه ای مواجه هستیم

این «کل بما هو کل» را باید مورد نظر قرار داد. خصوصیت کل این است که تمامی اجزا با هم شکل دهنده کل هستند. اگر هر جزئی در جایگاه خود قرار نگیرد، در مجموعه کل خلل ایجاد خواهد شد. حتی در بعضی شرایط اگر یک جزء برداشته شود، به مصلحت و مقصودی که پشت آن کل هست نخواهیم رسید. البته در بعضی شرایط هم اگر جزء برداشته شود در دستیابی به مصلحت کلی خللی وارد نخواهد شد. به طور مثال در بحث اقل و اکثر استقلالی و ارتباطی این مسائل مورد بحث است. در بحث نماز اگر یک آیه اکبر گفته نشود و نماز را با تمام اجزا و شرایطش بخوانیم هیچ ارزشی نداشته و معراجی رخ نخواهد داد. این مقدمه ای است که باید در بحث اندیشه امام به آن توجه داشت و در واقع ما با یک کل اندیشه ای مواجه هستیم.

مردم به جمهوری اسلامی برآمده از اندیشه امام رأی دادند

نکته دوم که در اندیشه امام و خصوصاً در بحث کارکردی و کاربردی آن باید مورد نظر قرار بگیرد این است که حکومتی که ما الان داریم، استمرار حکومت امام و استمرار اندیشه امام است. چه از حیطه اسمی که در تمامی سخنرانی ها، مسئولین نظام و به خصوص مقام معظم رهبری این نکته را دائماً ذکر می کنند که راه ما راه امام بوده و حکومت ما استمرار حکومت ایشان

است. افتخارات و پیشرفت های ما از ضرب شست امام بوده و این انقلاب بدون نام امام در هیچ جای جهان شناخته شده نیست. بنابراین هم در حیطه اسمی، ما حکومت خود را استمرار حکومت امام و در دل اندیشه امام می دانیم و هم در حیطه رسمی هم آنچه که از مردم رأی گرفت و در فرزندوم مورد نظر آن ها قرار گرفت، جمهوری اسلامی برآمده از اندیشه امام بود. لذا اگر ما بخواهیم امام را از جمهوری اسلامی جدا بکنیم در حیطه مشروعیت هم با مشکل مواجه خواهیم شد و این موضوع فارغ از منظر حقوقی، یک نظریه است.

اما در حیطه عملی این که چقدر به اندیشه های امام نزدیک هستیم یا نیستیم، موفق شدیم یا نشدیم، در کجاها پیشرفت و پسرفت داشته ایم و چقدر تا رسیدن به قله های آرمان های انقلابمان رسیده یا نرسیده ایم، مواردی بوده که محل بحث شان اینجا نیست. در نتیجه این که آیا حکومت ما استمرار حکومت امام است دقیقاً نقطه شروع بحث اجتهاد در اندیشه امام می باشد.

اجتهاد در مکتب امام

در عنوان اجتهاد در اندیشه امام باید توجه داشت که متعلق اجتهاد به صورت حقیقی نمی تواند یک شخص باشد، هر چند به صورت مجازی می شود. مانند این که برخی می گویند ما امام را متن می دانیم، در واقع این یک جمله مجازی است و حقیقی نیست. بنابراین متعلق اجتهاد نمی تواند فرد باشد، بلکه باید یک اندیشه باشد. در نتیجه با توجه به این که امام دارای یک مکتب می باشد، بهتر است از عنوان اجتهاد در مکتب امام استفاده کنیم.

اجتهاد در اندیشه امام (س) یک نیاز واقعی است

نکته بسیار مهم دیگر اینکه بحث اجتهاد در اندیشه امام یک نیاز بود. و این نیاز در نتیجه ی این است که جامعه خودش را محتاج به امام دانسته و همچنین مقبولیت و مشروعیت خود را در حیطه های اسم و رسم مربوط به ایشان می داند. همانطور که در مسأله مشروعیت و مقبولیت رأی مردم از دیدگاه امام و همچنین حیطه اختیارات شورای نگهبان بارها و بارها اجتهاد های مختلف مطرح شده است، پس نتیجه می گیریم اجتهاد در اندیشه امام یک نیاز واقعی است.

در واقع زمانی که احتیاج حاصل شد، طبیعتاً اجتهاد هم به دنبال آن می آید. طرح، فهم و مشروعیت دادن به اجتهاد در اندیشه امام، در حقیقت مشروعیت دادن به این نیاز است. باید توجه داشت با وجود این که در حال حاضر بالغ بر بیست و چند سال از رحلت امام گذشته است اما در موضوعات مختلف، باید اجتهاد در اندیشه امام را انجام داد چرا که خودمان را استمرار حکومت امام می دانیم.

در برخی امور به مسأله ای رسیدیم که امام در آن خصوص صحبتی نداشته اند اما در موضوعی شبیه آن، نظراتی داشته اند. به مسأله ای رسیدیم که این عبارت امام با آن عبارتش در ظاهر همخوانی ندارد، یک گروه به عبارتی استدلال کرده اند که: میزان رأی ملت است (صحیفه امام، ج8، ص173) یا مجلس در رأس همه ارگانها واقع است (همان، ج17، ص246)، و عده ای آن عبارات را مطرح می کنند که: ولایت فقیه ... همان ولایت رسول است (همان، ج10، ص308) یا قریب به این که من رئیس جمهور را نصب می کنم. (نک. همان، ج12، ص139)

در این موضوع باید گفت:

هر کسی از ظن خود شد یار من وز درون من نجست اسرار من

به این دلیل است که ما در طول این مدت ناچار با این مسأله روبرو هستیم و کسی نمی تواند این عبارات را انکار کند.

اجتهاد در اندیشه امام مقدمه ای برای نقد نیست

نکته مهم این است که اجتهاد در اندیشه امام، در ساحت فهم اندیشه امام است، در حالی که نقد اندیشه امام در حیطه رد است. این تفاوت مهمی است که خیلی ها متوجه آن نشده اند. اجتهاد باید در حیطه فهم باشد و باید در نظر داشت که نقد دوره پسا فهم است.

باید توجه داشت که اجتهاد ارتباطی به عصمت ندارد. شما اجتهاد می کنید که بفهمید امام در این زمینه چه می گوید. اینکه برخی بحث اجتهاد در اندیشه امام را مقدمه نقد اندیشه امام می دانند، اصلاً صحت ندارد و هرگز این گونه نیست چرا که مسأله اجتهاد در اندیشه امام در حیطه فهم است و این که ما بفهمیم امام چه گفت.

در همان عبارتی که از مقام معظم رهبری آوردند و آن اینکه باید مطلق، مقید، عام و خاص را کنار هم قرار داد تا ببینیم امام چه گفت؟ مرادش چه بود؟ منظورش چه بود؟ لذا این دغدغه عصمت و غیر عصمت هم جریان ندارد.

هیچ کس نمی تواند بگوید فقط ما هستیم که می فهمیم امام چه گفت

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که اجتهاد در مقابل چیست؟ اجتهاد در مقابل انحصار فهم و انحصار تفهیم است. هیچ کس حق ندارد بگوید آنچه که من از امام می فهمم این است و فرد دیگری حق ندارد چیزی بگوید و بفهمد. در واقع هیچ

کس نمی تواند بگوید فقط ما هستیم که می فهمیم امام چه گفت. موسسه تنظیم و نشر آثار امام هم هیچ وقت این کار را نمی کند، با وجود اینکه در بسیاری از اوقات تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته است که بگوید اینجا امام چه گفت.

اجتهاد در اندیشه امام در مقابل انحصار فهم و تفهیم از اندیشه امام

بحث اجتهاد در اندیشه امام در مقابل انحصار فهم و تفهیم در اندیشه امام می آید و چیز دلخواهی هم نیست که هر کسی هر چیزی که دلش می خواهد بیان کند. این موضوع را هم برخی درک و فهم نکرده اند. اجتهاد یک بار فرهنگی و معنایی پشتش دارد. متاسفانه خیلی ها می گویند امام اینطور یا آنطور بود؛ شما باید تمام عبارات را نگاه کنید و مورد نظر قرار دهید. ببینید مطلق، مقید، عام و خاصش چه می باشد؟ و یک موضوع در تعارض با مساله دیگر، چگونه حل می شود.

پشت تمام رفتارهای امام یک اندیشه است

نکته دیگر بحث فهم متن است که امروزه خیلی مهم می باشد. مباحث هرمنئوتیک همان است که ما دقیقا با آن کار داریم. خوانش متن، متن خوانی و فهم متن. باید توجه داشت که پشت تمام رفتارهای امام یک اندیشه است. آن اندیشه است که امروز قابل جریان است.

تفاوت در مفاهیم انقلابی و مصادیق انقلابی

نکته ی دیگر، بحث تفاوت گذاشتن بین مفاهیم و مصادیق انقلابی است. متاسفانه در بسیاری از موارد ما در مصادیق انقلابی مانده ایم و مفاهیم انقلابی را رها کرده ایم. مصادیق انقلابی نباید گمراه کننده ما باشد. گیر کردن در مصادیق انقلابی سر از تحجر در می آورد. اینکه بگویم چون در فلان دوره فلان مساله بود پس دیگر نمی شود کاری کرد، اصلا قابل قبول نیست. باید دید مفهوم انقلابی پشتش چیست.

به طور مثال یک مفهوم انقلابی این است که ما صد در صد با آپارتاید و تبعیض نژادی مخالفیم و هیچ گاه با کشوری که آپارتاید درونش باشد رابطه نخواهیم داشت، چون آن کشور را یک کشور و حکومت انسانی نمی دانیم، اما مصداق این موضوع بحث آفریقای جنوبی بود. در ابتدا با آن کشور رابطه نداشتیم، اما جلوتر که می آیم، می بینیم آفریقای جنوبی هست اما دیگر تبعیض نژادی درونش نیست. اما برخی می گفتند: امام برای رابطه با آفریقای جنوبی مخالف بود، حالا شما می خواهید سفیر به آنجا بفرستید؟!

قدر مسلم این نوع برخورد، تحجر و درج زدن است. امام درست است که با رابطه با آفریقای جنوبی مخالف بود اما این مصداق انقلابی است. آن چیزی که در حیطه اندیشه بوده و مانا است و جریان دارد، مفهوم انقلابی می باشد. مفهوم انقلابی عبارت است از اینکه ما با آپارتاید مخالفیم اما اگر این جریان عوض شود رابطه هم برقرار می شود.

در مورد مذاکره و ارتباطات با کشورهای دیگر به خصوص در مساله سیاست خارجی باید فرق بگذاریم. امروزه خیلی از جریان ها و موضوعات عوض شده است. شکل موضوع و مصداق همان است اما مفهوم انقلابی اش تغییر پیدا کرده است و در حال حاضر یک مفهوم دیگر است.